



ARABIA



مفهوم ایران و ایران‌گرایی در آثار اندیشه‌ورزان  
عصر ناصری (۱۳۱۳-۱۳۶۴ ق)

عبدالمجید ایلی

مفهوم ایران و ایران کرابی در آثار اندیشه و رزان عصر ناصری

(۱۳۱۳-۱۳۶۴ق)

عبدالمجید ایدی





عنوان و نام پدیدآور:	مفهوم ایران و ایران‌گرایی در آثار اندیشه‌ورزان عصر ناصری (۱۳۱۳-۱۲۶۴ق)/عبدالمجید ایدی؛ ویراستار شقایق فتحعلی‌زاده.
مشخصات نشر:	تهران: ندای تاریخ، ۱۳۹۹.
مشخصات ظاهری:	۳۱۸ ص.
شابک:	۹۷۸-۶۰۰-۸۸۷۵۲۸-۴
وضعیت فهرست نویسی:	فیا
رده بندی کنگره:	DSR ۱۴۸۳
رده بندی دیویی:	۹۵۵/۰۸۲۰۴۵
شماره کتابشناسی ملی:	۶۱۵۲۱۵۶



مفهوم ایران و ایران‌گرایی در آثار اندیشه‌ورزان عصر ناصری  
(۱۳۱۳-۱۲۶۴ق)

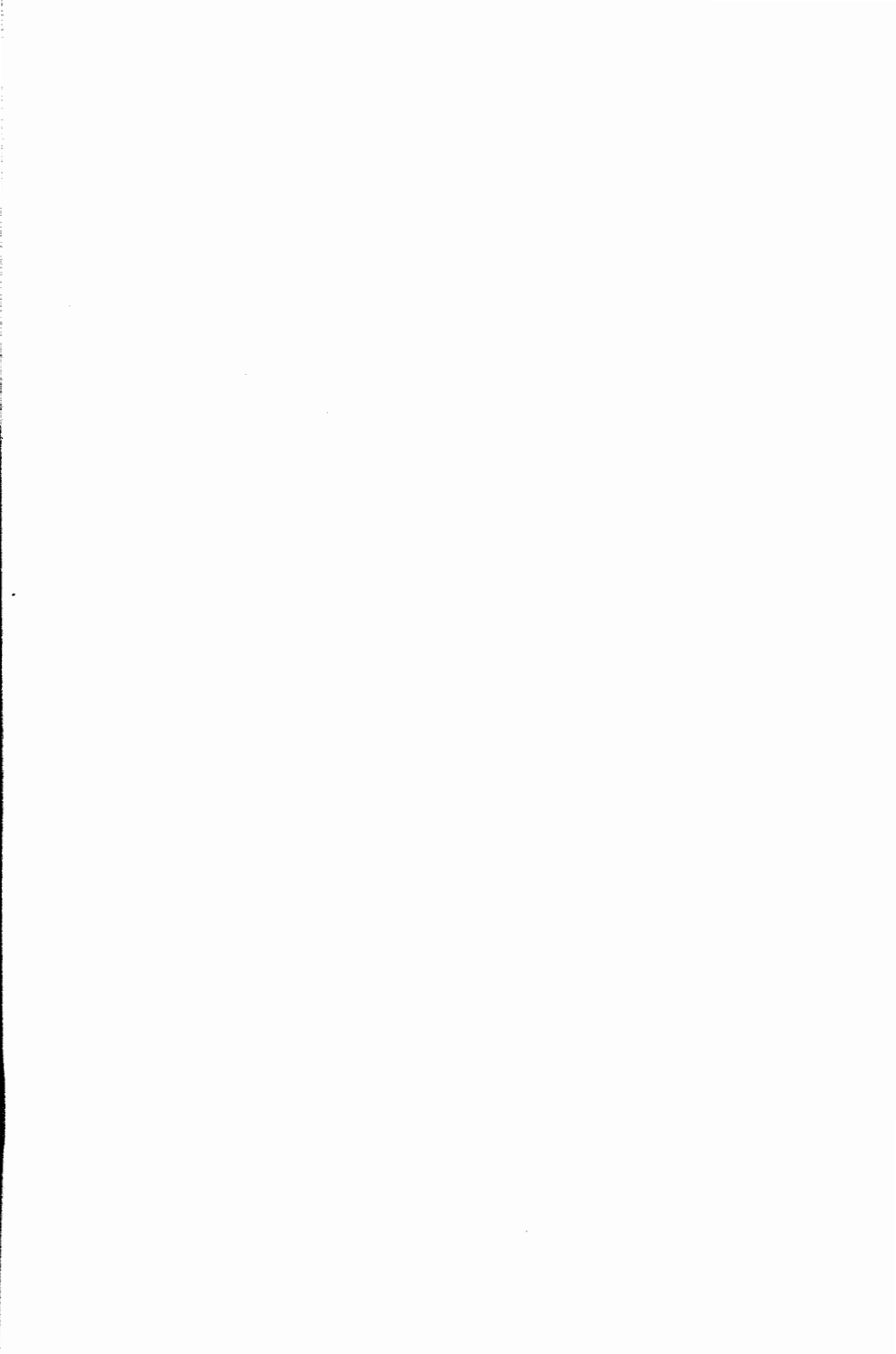
نام پدیدآور: عبدالمجید ایدی  
ویراستار: شقایق فتحعلی‌زاده  
طراح جلد: جمال سرورسندان  
چاپخانه: روز  
شابک: ۹۷۸-۶۰۰-۸۸۷۵-۲۸-۴  
قیمت: ۴۵۰۰۰ تومان

حق چاپ محفوظ و در اختیار موسسه و انتشارات ندای تاریخ است.

تقدیم به:

به همسر و فرزندانم

به پاس بر داری ایشان



## فهرست

- مقدمه ----- ۱
- تحولات سیاسی و روندهای فرهنگی تاثیرگذار بر شکل‌گیری آگاهی عمومی از مفهوم جدید ایران و ایران‌گرایی در عصر ناصری ----- ۹
- درآمد ----- ۹
- زمینه‌های اجتماعی و فرهنگی ورود افکار و موسسات نوین در عصر ناصری ----- ۱۵
- وقایع اتفاقیه ----- ۱۷
- میرزا حسین‌خان سپهسالار و انتشار روزنامه ----- ۱۹
- سایر روزنامه‌های دولتی در عصر ناصری ----- ۲۴
- روزنامه‌های خارج از کشور ----- ۲۸
- مدارس و مراکز آموزشی نوین ----- ۴۱
- مدارس خارجی ----- ۴۹
- ترجمه در عصر ناصری ----- ۵۱
- شبکه تلگراف ----- ۵۸
- مفهوم ایران و ایران‌گرایی در متون تاریخی سنتی و آثار جغرافیایی ----- ۶۱
- درآمد ----- ۶۱
- زندگینامه و آثار محمدتقی‌خان لسان‌الملک سپهر ----- ۶۷
- ناسخ التواریخ سپهر و توجه به حدود و مرزهای جغرافیایی و سیاسی ایران ----- ۶۹
- زندگینامه و آثار رضاقلی‌خان هدایت ----- ۷۲
- سفارتنامه خوارزم و خودآگاهی ایرانی نویسنده آن ----- ۷۴
- عناصر باستانی و سرحدات تاریخی ایران در روضه‌الصفای ناصری ----- ۷۸
- زندگینامه و آثار میرزا جعفرخان خورموجی ----- ۸۱
- کتاب حقایق‌الاجبار و روایت ممالک محروسه ایران ----- ۸۴
- جغرافیای تاریخی ایران در کتاب نزهت‌الاجبار ----- ۸۷
- زندگی و آثار میرزا عبدالغفارخان نجم‌الملک ----- ۸۹
- توجه به سرحدات جنوب غربی ایران در سفرنامه خوزستان ----- ۹۱
- زندگینامه و آثار ممتحن‌الدوله ----- ۹۵
- مآثر مهدیه و توصیف شورانگیز وطن با تکیه بر دانش نوین جغرافیا ----- ۹۶
- زندگینامه و آثار اعتمادالسلطنه ----- ۱۰۲
- کتاب مرآت‌البلدان آینه جغرافیای شهرهای ایران ----- ۱۰۹

رساله تطبیق لغات جغرافیایی؛ ترویج آگاهی‌های عمومی از جغرافیای تاریخی و طبیعی

- ایران----- ۱۱۳
- مفهوم ایران و ایران‌گرایی در متون تاریخی جدید و رسائل انتقادی ----- ۱۱۸
- درآمد ----- ۱۱۸
- ایران و ایران‌گرایی در کتاب دررالتیجان فی التاریخ بنی‌الاشکان ----- ۱۲۲
- کتاب خلسه؛ روای اعتبار السلطنه و حسرت از دست رفتن مرزهای ایران ----- ۱۲۷
- کتاب اجمل‌التواریخ؛ هدایت و برکشیدن ایران باستان ----- ۱۳۰
- زندگی‌نامه و آثار اعتضاد السلطنه ----- ۱۳۲
- نگرشی متفاوت به ایران باستان در اکسیرالتواریخ ----- ۱۳۴
- زندگی‌نامه و آثار فرصت‌الدوله شیرازی ----- ۱۳۸
- کتاب آثار عجم؛ توصیف تاریخ باستانی ایران با رویکرد علمی ----- ۱۴۳
- زندگی‌نامه جلال‌الدین میرزا ----- ۱۴۶
- نامه خسروان و تلاش به منظور تدوین تاریخ ملی ----- ۱۴۸
- زندگی‌نامه و آثار میرزا فتحعلی آخوندزاده ----- ۱۵۳
- مکتوبات کمال‌الدوله و ایران‌گرایی بر مبنای مفاهیم جدید ----- ۱۵۸
- زندگی‌نامه و آثار میرزا آقاخان کرمانی ----- ۱۶۶
- آینه‌سکندری؛ نگاه علمی به کیش باستانی و تاریخ ایران باستان ----- ۱۷۰
- کتاب سه مکتوب؛ تلاش در جهت احیای «ملت» ایران ----- ۱۷۷
- کتاب صدخطابه؛ وصف شورانگیز تاریخ و اساطیر ایران ----- ۱۸۲
- زندگی‌نامه و آثار طالبوف تبریزی ----- ۱۸۹
- کتاب احمد و دیدگاه وطن‌گرایانه در توصیف وطن ----- ۱۹۱
- مسالك‌المحسنین؛ در جست و جوی ایران آرمانی ----- ۱۹۸
- سیاست‌طلبی؛ توصیف واقعیت ایران از منظر طالبوف ----- ۲۰۲
- زندگی‌نامه و آثار مجد‌الملک سینکی ----- ۲۰۶
- ایران در اندیشه سینکی ----- ۲۰۷
- زندگی‌نامه زین‌العابدین مراغه‌ای ----- ۲۱۰
- سیاحت‌نامه ابراهیم بیگ آینه وطن‌پرستی ----- ۲۱۳
- تعاملات نماینده پارسیان هند با نجبگان عصر ناصری و نشر متون نوزرتشتی ----- ۲۱۹
- درآمد ----- ۲۱۹
- تحولات جامعه پارسیان هند در قرن نوزدهم میلادی ----- ۲۲۵
- مانکجی لیمجی هاتریا و زرتشتیان ایران ----- ۲۳۲

۲۳۵	-----	مانکجی؛ میراث باستانی ایران و نشر متون نوزرتشتی
۲۴۲	---	مانکجی و تعاملات او با نخبگان عصر ناصری پیرامون سره‌نویسی و تاریخ ایران
۲۵۸	-----	سخن پایانی
۲۶۷	-----	پیوست‌ها
۲۸۳	-----	منابع و مآخذ
۲۸۳	-----	الف) اسناد
۲۸۳	-----	ب) نسخه‌های خطی
۲۸۴	-----	ج) مطبوعات
۲۸۶	-----	د) منابع و پژوهش‌های چاپی فارسی
۲۹۸	-----	هـ) پایان نامه/رساله
۲۹۸	-----	و) منابع و پژوهش‌های چاپی انگلیسی
۳۰۱	-----	اعلام





## مقدمه

چیستی مفهوم ایران و مظاهر ایرانیّت و ایران‌گرایی در طول تاریخ معاصر ایران همواره محل بحث‌های فراوان بوده است و در دو قرن گذشته، روشنفکران، سیاست‌پیشگان و پژوهشگران بسیاری با پیش‌فرض‌ها و نظریه‌های تاریخی و جامعه‌شناسانه به سراغ آن رفته‌اند و بسته به خاستگاه فکری و ایدئولوژیک خود به نتایجی متفاوت و در مواردی متناقض در این باب نائل گشته‌اند. از طرفی دیگر، در هم تنیدگی مفاهیم این حوزه همچون ایرانیّت، ایران‌گرایی، هویت‌ایرانی، هویت ملی، ملیت، ملی‌گرایی، وطن‌پرستی و... باعث گردیده تا به امروز پاسخ مورد اتفاقی در باب منشا تاریخی شکل‌گیری مفهوم ایران و ویژگی‌ها و مصادیق بیرونی آن در هر دوره مطرح نشده باشد و این مقوله همچنان مورد مناقشه باقی بماند.<sup>۱</sup> لذا به منظور نزدیک شدن به پاسخی مناسب در این حوزه، رهیافت

---

۱. در باب ریشه‌های تکوین پدیده ملت، ملیّت و هویت ملی سه دیدگاه عمده وجود دارد. دیدگاه اول به کهن‌گرایان تعلق دارد. از منظر ایشان پدیده‌های مزبور از عصر باستان در میان جوامع بشری وجود داشته است. این دیدگاه بیشتر در میان ناسیونالیست‌های افراطی شایع می‌باشد. این روایت، از اواخر قرن هجدهم در اروپا و آمریکا سر برآورد و به نیروی محرک جنبش‌های ناسیونالیستی و وحدت ملی در اروپا و آمریکای قرن نوزدهم و کشورهای آسیایی و آفریقایی در قرن بیستم تبدیل شد. ادوارد شیلز و کلیفورد گیرتز از جمله نظریه‌پردازانی به شمار می‌روند که به وجود ازلی ملت‌ها در تمام طول تاریخ معتقدند. دیدگاه دوم متعلق به نوگرایان است. در این دیدگاه مدرن و پست‌مدرن، مفهوم ملت از پنداره‌های عصر جدید تلقی گردیده است. این دیدگاه از اواسط قرن بیستم در واکنش به آثار نامطلوب نژادپرستی که فضای اروپا را در فاصله میان دو جنگ جهانی آکنده از وحشت کرده بود، شکل گرفت. باورمندان به این دیدگاه از افراط فاصله گرفتند و به تقریب مبتلا شدند و به نفی گذشته تاریخی ملت‌ها پرداختند. برای آگاهی‌های بیشتر بنگرید به: اشرف، احمد، (۱۳۹۵)، هویت ایرانی از دوران باستان تا پایان پهلوی، ترجمه و تدوین: حمید احمدی، ایران، تهران، نشر نی، ص ۳۰-۲۵؛ احمدی، حمید، (۱۳۷۶)، قومیت و قومیت‌گرایی در ایران از افسانه تا واقعیت، اطلاعات سیاسی-اقتصادی، شماره ۱۱۶-۱۱۵، ص ۷۳-

تاریخی، یکی از روش‌های پیشرو است. از این رو در این کتاب ضمن پرداختن به مفهوم ایران در آثار اندیشه‌ورزان عصر ناصری و بررسی زمینه‌ها و عوامل موثر بر شکل‌گیری ایران‌گرایی نوین و مصادیق آن، گامی کوچک در جهت پر کردن خلأهای موجود در این حوزه و روشن شدن زوایای تاریک آن برداشته شده است.<sup>۱</sup>

۶۰ و ۶۵؛ شیرازی، اصغر، (۱۳۹۵)، ایرانیت، ملیت، قومیت، تهران، ایران، جهان کتاب، ص ۳۱. در میان نظریه پردازان قائل به جدید بودن پدیده ملیت می‌توان به اریک هابسباوم (Eric Hobsbawm) و بندیکت اندرسون (Benedict Anderson) اشاره نمود اندرسون در کتاب خود نظریه «جوامع خیالی» را در رابطه با این موضوع طرح نموده است. به نظر وی در عصر جدید «تصور اجتماعات ملی» از طریق چاپ کتاب و روزنامه، مدارس و رادیو و تلویزیون، پدید آمده است. وی این پدیده را «سرمایه داری چاپ» (Print-Capitalism) نامیده است.

Anderson, Benedict. (۲۰۰۶), *Imagined Communities Reflection on Origin and spread Nationalism*, Revised Edition, published by Verso, London, New York, p ۴۲-۴۶.

در میان نویسندگان ایرانی که قائل به دیدگاه دوم هستند می‌توان به مصطفی وزیری اشاره نمود. وی بر این باور است که ایرانیان در طول تاریخ مردمانی پراکنده بوده‌اند و هیچ آگاهی و شناختی از وجود یکدیگر نداشته‌اند و ملیت در نهایت در قرن بیستم توسط روشنفکران و مورخان ایرانی به گفتمان غالب جامعه ایرانی بدل گردیده است.

Vaziri, Mostafa (۱۹۹۳), *Iran as Imagined Nation: The Construction of National Identity*, New York, Paragon House, p ۶۱۴۲-۱۹۶

۱. لازم به ذکر است، دیدگاه سومی نیز وجود دارد که بر اساس آن احساسات ملی و هویت ملی پدیده‌هایی کهن به شمار می‌روند ولی سیاسی شدن آنها یک رویداد مدرن است و به دوران معاصر باز می‌گردد. این نظریه ضمن رد انگاره ذات‌گرایانه مفهوم کهن هویت ملی و رد دیدگاه‌های مدرن و پست-مدرن مبنی بر گسست عمیق تاریخی در ریشه ملت‌ها، بر نقش نیروهای تاریخی در شکل‌گیری ملت‌های مدرن تأکید می‌کند. طرفداران دیدگاه تاریخی نگر اجتماعات قومی و ملت‌ها را پدیده‌های در حال تغییر و تحول می‌دانند. آنتونی اسمیت (Anthony Smith) و جیمز مک کی (James Mckay) از قائلین به این نظریه هستند. شیرازی، ایرانیت، ملیت، قومیت، ص ۳۱؛ اشرف، هویت ایرانی از دوران باستان تا پایان پهلوی، ص ۳۹-۴۷. در میان نویسندگان ایرانی نیز احمد اشرف با تطبیق دادن این دیدگاه بر شرایط تاریخی ایران و تحولات هویت ایرانی و بازسازی آن در دوره‌های مختلف از عصر ساسانیان تا دوران معاصر به شرح آن پرداخته است. وی بر آن است که هم از نظر تحلیلی و هم به لحاظ هستی‌شناختی باید میان «هویت ایرانی» و «هویت ملی ایرانی» تمایز قائل شد. از نظر وی روایت تاریخی-نگردر عین حال که «هویت ملی» را مقوله‌ای متعلق به عصر جدید می‌داند و «عطف به ما سبق» کردن آن را نمی‌پذیرد، «هویت فرهنگی ایرانی» را مقوله‌ای تاریخی می‌داند که از دوران پیش از اسلام تا به امروز

دوران نیم قرن حکومت ناصرالدین شاه قاجار (۱۳۱۳-۱۲۶۴ق/۱۸۹۶م) یکی از مقاطع مهم تاریخ ایران به شمار می رود که در آن توجه به مفهوم ایران و ایران گرایی در آرا و آثار نخبگان جامعه انعکاس یافته است. بررسی و کنکاش در این آثار و آرا نشان می دهد که این گرایشات فکری تحت تاثیر دو دسته از عوامل اصلی تکوین یافته اند. اول عوامل درونی که در بردارنده تصور، تلقی و برداشتی بود که این نخبگان از سرزمین ایران و هویت فرهنگی-تاریخی مستمر آن داشتند. بدین معنا که ایران در قرن ۱۹م با برخورداری از میراث تاریخی دیرپا و آگاهی فرهنگی نسبت به هویت خود، به عصر ملت سازی پای گذاشته بود.<sup>۱</sup> دوم عوامل بیرونی بود که ایران از آغازین سال های حاکمیت قاجاریه در قرن نوزدهم میلادی/سیزدهم قمری با آن مواجه گردید.

وقوع انقلاب صنعتی و پیروزی ایدئولوژی سرمایه داری لیبرالیسم در اواخر قرن هیجدهم و اوایل قرن نوزدهم میلادی و تشدید رقابت های استعماری<sup>۲</sup> بین کشورهای چون انگلیس، فرانسه و روسیه از جمله تحولات اقتصادی و سیاسی بود که در آستانه شکل گیری حاکمیت قاجارها رخ داده بود و سبب شد ایران از اوایل عهد قاجار درگیر مناسبات نظام بین الملل گردد. از حیث اوضاع داخلی ایران، گزارش های غالب سیاحانی که در آغاز سده نوزدهم میلادی از ایران دیدن کرده اند؛ بیانگر بدبختی های مملکت در زمینه کاهش جمعیت، فقر و انحطاط اقتصادی و جدایی آن از جریان اصلی سیاست، تجارت، علم و فرهنگ جهانی

به صورت گوناگون بازسازی شده است. به این ترتیب، مفهوم تاریخی هویت ایرانی، که در دوران ساسانیان بازسازی شده بود، در دوران اسلامی با نشیب و فرازهایی تحول پیدا کرد، در عصر صفوی تولدی دیگر یافت، و در عصر جدید به صورت «هویت ملی ایرانی» ساخته و پرداخته شد. اشرف، هویت ایرانی از دوران باستان تا پایان پهلوی، ص ۳۹-۳۷ و ۴۶-۴۵.

۱. اشرف، هویت ایرانی از دوران باستان تا پایان پهلوی، ص ۳۸ و ۱۹۵.

۲. حاجیان پور، حمید، (۱۳۷۷)، آدام اسمیت و ظهور مکتب لیبرالیسم کلاسیک، کیهان اندیشه، شماره ۸۰، ص ۷۳.

بود.<sup>۱</sup> که خود پیامد قریب به هشتاد سال بی‌ثباتی سیاسی، اقتصادی و اجتماعی ناشی از سقوط صفویه به شمار می‌آید.

از طرفی عواملی همچون برقراری روابط دیپلماتیک با کشورهای خارجی و آمد و شد نمایندگان سیاسی این کشورها، فرایند اعزام دانشجویان به غرب و آثارسیاحان و سفرنامه‌نویسان، از اسباب آشنایی دولتمردان و نخبگان جامعه با مظاهر تجدد<sup>۲</sup> و مفاهیم جدید سیاسی و اجتماعی بود. به هر روی رویارویی با قدرت‌های غربی، تلاش نخبگان جامعه در جهت فهم دلایل ضعف ایران در برابر سایر کشورها و چاره‌جویی به منظور برون رفت از آن شرایط حقارت‌بار و ورود اندیشه‌ها و مفاهیم جدید غربی از یک سو و استمرار هویت تاریخی ایران و آگاهی نخبگان جامعه از مفهوم ایران و عناصر سازنده آن را می‌توان از عوامل اصلی شکل‌گیری مفهوم نوین ایران و ایران‌گرایی در قرن نوزدهم میلادی تلقی نمود. بدین سان ایران در آستانه ظهور قاجاریه با دو چهره از غرب مواجه گردید:

الف: توسعه طلبی استعماری ب: فنون، اندیشه‌ها و مفاهیم جدید.

در این میان تحولات ناشی از وقوع انقلاب فرانسه و آگاهی یافتن نمایندگان سیاسی ایران، دانشجویان و سفرنامه‌نویسان از پیامدهای انقلاب فرانسه موجب گردید مفاهیم و واژگان جدیدی چون: جمهوریت، ملت، ارکان عدالت و جمهور، وکلای ملت، سلام ملتی و ملت فرانسه<sup>۳</sup> از اوایل عهد قاجار تا عصر ناصری از طریق ترجمه آثار مختلف و نیز به وسیله مدارس همچون دارالفنون و مدارس میسیونری وارد ادبیات سیاسی جامعه ایران خاصه ادبیات نخبگان گردد. بنابراین

---

۱. عیسوی، چارلز، (۱۳۶۲)، تاریخ اقتصادی ایران عصر قاجار، ترجمه: یعقوب آژند، تهران، گستره، ص ۱۸.

۲. «تجدد» طرز جدیدی از تفکر و نگرشی تازه به جهان است که امری درون زاست و از دینامیسم درونی جوامع و با آگاهی از پیشرفت علوم و ماهیت فرهنگ‌های دیگر حاصل می‌شود. برای آگاهی بیشتر ن.ک به: بهنام، جمشید (۱۳۹۴)، ایرانیان و اندیشه تجدد، تهران، فرزانه روز.

۳. توکلی طوقی، محمد، (۱۳۸۲)، تجدد بومی و بازانندیشی تاریخ، تهران، نشر تاریخ ایران، ص ۲۱۴؛ آبراهامیان، پرواندا، (۱۳۹۱)، تاریخ مدرن ایران، ترجمه: محمد ابراهیم فتاحی، تهران، نشر نی، ص ۸۳؛ قیصری، علی، (۱۳۹۳)، روشنفکران ایران در قرن بیستم، ترجمه: محمد دهقانی، تهران، هرمس، ص ۳۱.

می‌توان گفت: «برداشت رایج میان نخبگان ایرانی درباره دو مقوله تجدد و ملیت، در این دوره شکل گرفته‌است»<sup>۱</sup>

در اینجا ضروری به نظر می‌رسد، به منظور روشن شدن بحث ملیت و آشنایی با ریشه‌های تکوین مفهوم «ملت» و خاستگاه‌های آن مختصری در این باب گفته شود. اساساً نظریه پردازان، عناصر تشکیل دهنده ملت را در امور مختلفی جست و جو کرده‌اند. سنت فکری انقلاب فرانسه سرچشمه یکی از برداشت‌های اصلی درباره عامل تشکیل دهنده ملت بود. برحسب آن سنت، ویژگی اصلی ملت نه وحدت فرهنگی یا زبانی یا قومی، بلکه وحدت در سازمان سیاسی است. برداشت دوم برداشتی فرهنگی است. برخی نویسندگان آلمانی عوامل فرهنگی و زبانی را عامل اصلی تشکیل دهنده ملت می‌دانستند. به نظر این نویسندگان آلمانی، بشریت به حکم طبیعت میان ملت‌ها تقسیم شده است نه به حکم وجود دولت‌ها. ویژگی اصلی هویت ملی، زبان است که دربرگیرنده سنت‌ها، نمادها، افسانه‌ها و تاریخ و فرهنگ مشترک هر قوم است.<sup>۲</sup> برداشت سوم، برداشت جامع‌تری است که از حد دو نظریه سیاسی و فرهنگی بالا فراتر می‌رود و در عین حال ویژگی آن دورا هم حفظ می‌کند؛ بر طبق برداشت سوم، ویژگی ملت را نباید در هویت قومی و فرهنگی یافت. برای تکوین هویت قومی، ویژگی‌های فرهنگی لازم است، اما هویت ملی فراتر از هویت قومی- فرهنگی است و وجود چندین قومیت در درون یک دولت نباید مانع تشکیل هویت ملی شود. در تعبیر فرهنگی، بسیاری از عوامل تاریخی موثر در تکوین ملت‌ها نادیده می‌مانند. ارنست رنان معتقد بود عامل

۱. کاتوزیان، محمد علی همایون، (۱۳۸۹)، صادق هدایت از افسانه تا واقعیت، ترجمه: فیروز مهاجر، تهران، طرح نو، ص ۸؛ انتخابی، نادر، (۱۳۸۱)، ناسیونالیسم و تجدد در فرهنگ سیاسی بعد از مشروطیت، نگاه نو، ۱۲، ص ۲۶-۸.

۲. برخلاف تعریف سیاسی «ملیت» که از مفهوم‌هایی چون آزادی، حق و شهروندی برمی‌خیزد، تعریف قومی-زبانی بر نژاد، خون، فرهنگ و زبان تکیه دارد. دیدگاه ژرمن که متفکرانی چون فیخته، هردر و هرمان هسه از بنیانگذاران آن هستند، نمونه‌ای از تعریف قومی ملیت است. بر اساس این دیدگاه، عشق به سرزمین مادری در قلب و خون جای دارد. بروجردی، مهرزاد، (۱۳۸۹)، تراشیدم، پرستیدم، شکستم، تهران، نگاه معاصر، ص ۳۶.

تکوین هویت ملی داشتن تاریخ مشترکی از دردها و رنج‌های همگانی و خاطرات مشترک تاریخی است. پس هویت ملی صرفاً بر اساس قومیت، زبان، سرزمین مشترک و سازمان سیاسی دولت به وجود نمی‌آید. از سوی دیگر شرط عمده تکوین هویت ملی پیدایش اراده با هم زیستن است. در صورت وجود چنان تاریخ و خاطرات عمومی و چنین اراده مشترکی مردم به رغم تفاوت‌های فرهنگی و قومی و زبانی، ملت واحدی را تشکیل می‌دهند.<sup>۱</sup>

همان‌طور که گفته شد علاوه بر فرانسه، آلمان نیز زادگاه نمادین ملت-دولت‌های مدرن و الگوی ملت‌سازی مدرن در جهان بود. رمانتیسیسم<sup>۲</sup> سده نوزدهم در اروپا یکی از دلایل خیزش ملت‌گرایی آلمانی بود. این ملت‌گرایی تا حد زیادی واکنشی در برابر دوران طولانی نفوذ فراگیر فرانسه در سیاست و فرهنگ آلمان از زمان جنگ سی‌ساله و صلح وستفالی<sup>۳</sup> در نخستین نیمه سده هفدهم، و

۱. بشیریه، حسین، (۱۳۸۶)، آموزش دانش سیاسی، تهران، نشر نگاه معاصر، ص ۳۳-۳۱.

۲. رمانتیسیسم (Romanticism) در اصل نوعی واکنش احساسی در برابر خرد محوری به شمار می‌رود. رمانتیسیسم در آلمان و به‌خصوص در میان فلاسفه آلمانی با اقبال فزاینده‌ای مواجه گردید. مهمترین صفت متمایز عقاید فلسفی در آلمان آن بود که به‌طور کلی این آرا به نحوی با ناسیونالیسم مرتبط می‌شد. از جمله نظریه پردازان رمانتیک آلمان هردر (J.G Herder) بود. برای آگاهی بیشتر ن. ک. به: پالمر، رابرت روزول، (۱۳۸۹)، تاریخ جهان نو، ترجمه: ابوالقاسم طاهری، تهران، امیرکبیر، ج ۱، ص ۷۰۸-۷۰۶؛ موسکا، گاتانو و گاستون بوتو، (۱۳۷۰)، تاریخ عقاید و مکتب‌های سیاسی از عهد باستان تا امروز، ترجمه: حسین شهیدزاده، تهران، مروارید، ص ۴۰۷-۴۰۶.

۳. عهدنامه صلح وستفاليا (Westphalia) پس از جنگ‌های سی‌ساله مذهبی در اروپا (۱۶۴۸-۱۶۱۸م) میان کشورهای اروپایی در سال ۱۶۴۸ منعقد گردید. این عهدنامه مقدمه پیدایش سیستم یا شیوه‌ای در حقوق بین‌الملل میان دول جدید اروپایی بود که از آن به سیستم کشورهای با حق حاکمیت (Staatenmtesy) تعبیر می‌شود. در این پیمان حقوق برابر و یکسان کشورهای دخیل به‌عنوان واحدهای سیاسی مستقل مورد پذیرش قرار گرفت. پالمر، تاریخ جهان نو، ج ۱، ص ۲۴۰؛ به بیانی دیگر این عهد نامه را می‌توان سرآغاز شکل‌گیری دولت-ملت‌های (Nation-State) مدرن تلقی نمود. از جمله پیامدهای صلح وستفالی این بود که اروپا حتی در عالم تصور نیز دیگر یک جامعه مسیحی متحدی تلقی نمی‌شد، بلکه مجموعه‌ای از دولت‌ها بود، که بر اساس قانون بین‌المللی اداره می‌شد، چنان‌که در کتاب هوگو گروتیوس (Hugo Grotius) به نام حقوق جنگ و صلح، شامل «قوانین طبیعت و ملت‌ها» مطرح شده بود. کومین، بیت، (۱۳۹۳)، جهان اروپایی ۱۸۰۰-۱۵۰۰ در آمدی بر

زاده غرور جریحه دار شده آلمان‌ها بود.<sup>۱</sup>

از طرفی دیگر تحولات کشورهای اروپایی در قرن نوزدهم میلادی/اسیزدهم هجری مقارن با عصر ناصری نیز حائز اهمیت بود. علاوه بر پیامدهای انقلاب فرانسه، در سراسر اروپا، در سال‌های ۱۸۴۹-۱۸۴۸م/۱۲۶۵-۱۲۶۴ق جنبش‌هایی صورت گرفت که باعث شروع یک دوره پیروزی‌های ملی و آزادیخواهی گردید. به نحوی که در سال ۱۸۷۱م/۱۲۸۸ق مردم اروپا تقریباً تمام آن چیزهایی را که برای آنها در سال‌های ۱۸۴۹-۱۸۴۸م/۱۲۶۵-۱۲۶۴ق مبارزه کرده بودند به دست آوردند. ایتالیا خود را از دست اتریش خلاص کرده و تحت سلطنت یک پادشاه مشروطه، یک پارچه شده بود. مجارستان عملاً استقلال داخلی واقعی به دست آورده بود. آلمان تحت لوای یک حکومت لیبرال متحد شده بود. فرانسه جمهوری بود. بریتانیا به سوی دمکراسی قدم‌های بلندی بر می‌داشت. حتی روسیه استبدادی نیز دچار تب آزادیخواهی شد، به بردگان آزادی داد و به اصلاحات اداری متمایل گشت.<sup>۲</sup> دوره بین سال‌های ۱۸۷۱-۱۸۳۰م/۱۲۸۸-۱۲۴۵ق دوره‌ای بود که در آن گام‌های بزرگی در پیشرفت ناسیونالیسم در کشورهای فرانسه، ایتالیا، آلمان و مجارستان برداشته شد. دمکراسی نیز طی این مدت در اثر پیشامدهایی در ایتالیا، فرانسه، اتریش، مجارستان، آلمان، بریتانیا، روسیه و اسپانیا پیشرفت کرد. قانون‌های اساسی در این کشورها شکل گرفت، حق رای توسعه پیدا کرد، بردگی منسوخ شد و دولت‌های پارلمانی به وجود آمد.<sup>۳</sup> مجموع این تحولات در اروپای قرن نوزدهم میلادی منجر به شکل‌گیری دولت-ملت‌های نوظهور متعددی گردید.

اوایل تاریخ مدرن، ترجمه: احمد فضل‌ی نژاد و جلال رحیمیان، شیراز، انتشارات دانشگاه شیراز، ص ۳۸۵.

۱. کاتوزیان، محمد علی همایون، (۱۳۹۳)، تضاد دولت و ملت، نظریه تاریخ و سیاست در ایران، ترجمه: علیرضا طیب، تهران، نشر نی، ص ۱۳۱؛ پالمر، تاریخ جهان نو، ج ۱، ص ۷۰۶.

۲. لیتل فیلد، هنری. و...، (۱۳۷۳)، تاریخ اروپا از سال ۱۸۱۵ به بعد، ترجمه: فریده قرچه داغی، تهران، علمی و فرهنگی، ص ۴۴-۴۵.

۳. برای آگاهی از جزئیات این تحولات ن.ک به: لیتل فیلد، هنری. و...، تاریخ اروپا از سال ۱۸۱۵ به بعد، ص ۶۷-۴۴.



از طرفی ورود افکار و آرای مرتبط با ملت و ملت‌گرایی و اخبار مربوط به شکل‌گیری این واحدهای سیاسی بی‌گمان در نگرش نخبگان ایرانی عصر ناصری بی‌تأثیر نبود. به گونه‌ای که به تدریج این مفاهیم جدید وارداتی، توسط اندیشه‌ورزان جامعه، با هویت تاریخی و فرهنگی دیرپای ایران در هم آمیخت. هم از این روست که نظریه‌پردازان عرصه ناسیونالیسم در مقایسه روند شکل‌گیری ناسیونالیسم در ایران با دیگر کشورها برآند که ایران با داشتن هویت و ریشه‌های تاریخی فرهنگی مستمر وارد در عصر مدرن - که از ویژگی‌های آن رواج ناسیونالیسم بود - گردید. اندیشه‌های مدرن ملت، ناسیونالیسم و هویت ملی - به منزله مجموعه‌ای از احساسات درباره ملت و دولت مدرن که آرمان‌های خودمختاری، وحدت و رفاه ملت را می‌رساند - ذخایر تاریخی غنی هویت ایرانی را تقویت کردند. این اندیشه‌های جدید، هویت مردم را از رعایا به شهروندان تبدیل کرد و حس وطن پرستی و وفاداری به ملت به یک ارزش سیاسی مدرن تبدیل شد.<sup>۱</sup> تأثیرات ناشی از آشنایی با این مفاهیم خاصه در عصر ناصری باعث گردید مفهوم ایران و تلقی و برداشت از مرزهای تاریخی آن، اساطیر ایرانی، تاریخ ایران و زبان فارسی با مفاهیم جدید ملت و ناسیونالیسم که رهاورد تجدد بود گره بخورد و پایه‌های ملیت جدید ایرانی بنیان گذاشته شود.

## تحولات سیاسی و روندهای فرهنگی تاثیرگذار بر شکل‌گیری آگاهی عمومی از مفهوم جدید ایران و ایران‌گرایی در عصر ناصری

درآمد

ناصرالدین‌شاه فرزند ذکور ارشد محمدشاه و ولیعهد او بود. تولد وی در شب ششم صفر سال ۱۲۴۷ق/ ۷جولای ۱۸۳۱م روی داد<sup>۱</sup> هنگام فوت پدرش، در ۶شوال ۱۲۶۴ق، هنوز به هجده سال نرسیده بود.<sup>۲</sup> در آن زمان، ناصرالدین‌میرزا تحت حمایت و تربیت میرزا تقی‌خان وزیر نظام در دارالسلطنه تبریز به سر می‌برد. چون خبر فوت شاه به تبریز رسید، در حالی که خراسان به علت قیام سالار دچار آشفتگی بود، میرزا تقی‌خان سپاه آذربایجان را گرد آورد و شرایط جلوس ناصرالدین‌شاه را بر تخت سلطنت در تاریخ ۱۸شوال ۱۲۶۴ق در دارالسلطنه تبریز فراهم ساخت.<sup>۳</sup> ناصرالدین‌شاه سرانجام در روز ۲۱ ذی‌قعدة ۱۲۶۴ق/ ۲۱ اکتبر ۱۸۴۸م وارد پایتخت شد و در تاریخ ۲۲ ذی‌قعدة ۱۲۶۴/ ۲۲ اکتبر ۱۸۴۸م «جلوس ثانی... واقع شد»<sup>۴</sup> مراسم تاجگذاری همچون تاجگذاری پادشاهان پیشین قاجار، نمادهای سلطنتی همچون تاج کیانی و بازوبندهای تزیین شده با برلیان‌های دریای نور و تاج ماه و شمشیر معروف به سیف صاحب زمان را در

۱. اعتمادالسلطنه، محمد حسن خان (۱۳۶۷-۱۳۶۳)، تاریخ منتظم ناصری، تصحیح: محمد اسماعیل رضوانی، تهران، دنیای کتاب، ج ۲، ص ۱۲۱۷.
۲. جهانگیر میرزا، (۱۳۸۴)، تاریخ نو (شامل حوادث قاجاریه از سال ۱۲۴۰ تا ۱۲۶۷ق)، به اهتمام عباس اقبال آشتیانی، تهران، علم، ص ۳۱۳.
۳. جهانگیر میرزا، همان، ص ۳۱۴؛ مستوفی، عبدالله، (۱۳۸۸)، شرح زندگانی من یا تاریخ اجتماعی و اداری دوره قاجاریه، تهران، زوار، ج ۱، ص ۶۵.
۴. اعتمادالسلطنه، همان، ج ۲، ص ۲۱۷.
۵. جهانگیر میرزا، همان، ص ۳۱۷.

برداشت<sup>۱</sup> و این امر بیانگر تداوم سنت پادشاهی با عناصری از پادشاهان باستانی ایران و مذهب شیعه بود. در وصفی که تاریخ‌نوهم از آغاز سال جدید سلطنت ناصرالدین شاه دارد اشاره به رسم و شیوه پادشاهان باستانی ایران مشهود است... «چون بهار سال فرخنده فال سنه هزار و دویست و شصت و پنج قدم به عرصه روزگار گذاشت... به رسم پادشاهان و به قانون کیان در دارالخلافه تهران مسند آرای مملکت ایران گشته و به بسط بساط نوروزی ایما و اشاره فرمودند. پس از انقضای جشن نوروزی التفات پادشاهانه به تنظیم امورات ملک و ملت...»<sup>۲</sup> استفاده از تعبیراتی که نشان دهنده تداوم سنت پادشاهی ایران از دوران باستان تا دوره سلطنت ناصرالدین شاه می‌باشد به کرات در متون تاریخی این زمان دیده می‌شود. همین امر باعث می‌گردد شاه همواره خود را نگاهبان این سنت دیرین بداند و بر این مبنا سعی در برقراری تعادل در جامعه داشته باشد.

ناصرالدین شاه دارای ویژگی‌های شخصیتی متضاد و پیچیده‌ای بود از این رو دوران سلطنت وی با عملکردها و سیاست‌های ناهمگونی همراه بود. او در عین قساوت و سنگدلی نسبت به برخی رعایا در برخی مقاطع دوران حکومتش<sup>۳</sup> گهگاه شیوه مردم‌داری را پیشه خود می‌کرد و فی‌المثل توجه ویژه‌ای به تامین ارزاق عمومی مبذول داشته<sup>۴</sup> و در مواقعی رقیق‌القلب، رعیت‌پرور و ترقی‌طلب بود.<sup>۵</sup> دوران سلطنت وی نزدیک به پنجاه سال طول کشید و این دوره مصادف با رقابت شدید دو امپراتوری روس و انگلیس در آسیا بود و بدبختانه ایران در سرتاسر

- 
۱. لسان‌الملک سپهر، محمدتقی‌خان، (۱۳۴۴)، ناسخ التواریخ (تاریخ سلاطین قاجاریه)، مصحح: محمدباقر بهبودی، تهران، اسلامیه، ج ۳، ص ۱۸۹؛ حسینی فسائی، ۱۳۸۲: ۷۸۸/۱
  ۲. جهانگیر میرزا، تاریخ (شامل حوادث قاجاریه از سال ۱۲۴۰ تا ۱۲۶۷ق)، ص ۳۲۵-۳۲۴.
  ۳. اعتمادالسلطنه، محمدحسن‌خان، (۱۳۴۵)، روزنامه خاطرات، با مقدمه: ایرج افشار، تهران، امیرکبیر، ص ۷۷۸.
  ۴. اعظام الوزاره، حسن، (۱۳۴۹)، خاطرات من یا روشن شدن تاریخ صد ساله، تهران، ابوریحان، ص ۲۷.
  ۵. ظهیرالدوله، علی‌خان، (۱۳۶۲)، تاریخ بی‌دروغ: در وقایع کشته‌شدن ناصرالدین شاه قاجار، تهران، شرق، ص ۲۲.

این مدت در بین دو سنگ آسیا قرار داشت. از این جهت، تمام کوشش‌های ناصرالدین شاه و رجال دربار وی برای ترقی و پیشرفت ایران و ایرانی عقیم ماند و حتی گاه نتایج معکوس بخشید.<sup>۱</sup>

ناصرالدین شاه (پیوست شماره یک) مانند برخی از اسلاف و اخلاف خویش به مرز و بوم و تاریخ و آداب و سنن و فرهنگ ایران و مذهب تشیع دلبستگی فراوان داشته و علاقه‌مند بود کشور ایران را به پای کشورهای پیشرفته اروپا برساند، اما در عین حال این خواست شاه تحت الشعاع مشکلات مالی قرار گرفت.<sup>۲</sup> هر چند که عدم موفقیت او در این امر تنها محدود به مشکلات مالی نبود. او از یک سو خود را خلیفه اسلامی در عالم تشیع می‌دانست و به همین مناسبت مورخین قاجاریه، تهران را دارالخلافه خوانده‌اند و از طرف دیگر خود را امتداد سلسله پادشاهان از دوران باستان می‌دانست. حمایت ناصرالدین شاه از نوشته‌های تاریخی، گواهی بر تلاش آگاهانه وی برای پروراندن نوعی حس هویت ملی بر پایه تداوم سلطنت است. «سلطان شیعیان» نیز عنوانی بود که ناصرالدین شاه اغلب بدان می‌بالید و بدین ترتیب سابقه‌ای از تاریخ ملی تشیع را در سر می‌پروراند. در تکمیل وجهه مذهبی، ناصرالدین شاه نوعی آگاهی تاریخی از فرهنگ فارسی را هم پیشه کرد. او ولی نعمتی خیرخواه، حلقه‌ای طبیعی در زنجیر پایدار شاهنشاهی، ناصر دین و وارث افتخارات گذشته تصویر شده بود. در زمانی که مظاهر واقعی قدرت سیاسی او آشکارا رو به زوال می‌رفت، نمایش وجوه نمادین سلطنت، از جمله مشروعیت تاریخی آن، به‌ویژه برای ناصرالدین شاه و دودمانش اهمیت حیاتی داشت.<sup>۳</sup> همین امر از جمله عواملی بود که باعث گردیده بود وی علاقه ویژه‌ای به شنیدن و

---

۱. نوایی، عبدالحسین، (۱۳۶۹)، ایران و جهان از قاجاریه تا پایان عهد ناصری، تهران، هما، ج ۲، ص ۵۰۱.

۲. ایوری، پیتر، (۱۳۸۹)، «روایای شاهنشاهی»، در جنگ و صلح در ایران دوره قاجار و پیامدهای آن در گذشته و اکنون، به کوشش: رکسانه فرمانفرمایان، ترجمه: حسن افشار، تهران، مرکز، ص ۳۲.

۳. امانت، عباس، (۱۳۹۳)، قبله عالم، ناصرالدین شاه قاجار و پادشاهی ایران، ترجمه: حسن کامشاد، تهران، نشر کارنامه، ص ۵۶۴-۵۶۳.

خواندن روایات تاریخی داشته باشد.

از دیگر سوی ناصرالدین شاه احتمالاً بهتر از اسلاف خود موقعیت ایران در جهان و ضرورت ایجاد تغییرات به منظور حفظ استقلال کشور را درک می‌کرد. در طول سلطنت او شمار کسانی که از اروپا و نهضت‌های آزادیخواهانه اروپا مطلع بودند، پیوسته رو به افزایش بود. رشد این طبقه و آثار نفوذ آنان در جامعه ایران قرن نوزدهم میلادی، یکی از برجسته‌ترین ویژگی‌های این دوره به شمار می‌رود.<sup>۱</sup> از طرفی علاقه ایرانیان به حشر و نشر با اروپاییان و آشنایی با زبان و ادب و فرهنگ و دانش و صنعت اروپا و استفاده از مظاهر علمی و صنعتی و فنی مغرب زمین روز به روز گسترش و افزایش یافت تا جایی که ناصرالدین شاه در دوران طولانی حکومتش گاه افراد تجددطلب و علاقمند به علم و صنعت و تکنیک غرب را به عنوان صدراعظم برگزید که از جمله آنها میرزا حسین خان قزوینی بود که در تاریخ ایران به القاب مشیرالدوله و سپهسالار<sup>۲</sup> و سپهسالار اعظم (پیوست شماره دو) شهرت یافته، اشاره نمود.<sup>۳</sup> اما همان‌طور که گفته شد علیرغم تمایل و تلاش ناصرالدین شاه در جهت سوق دادن ایران در جهت ترقی و پیشرفت، وی در این راه توفیق نیافت. آن چه مسلم است یکی از عمده‌ترین عوامل موثر در این امر استبداد شدید و قدرت مطلقه او بود. خوی استبدادی ناصرالدین شاه مانع از این می‌شد که مجالی برای انجام اصلاحات اساسی فراهم گردد. به بیانی دیگر وی هر اقدام اصلاحی را تا آن جا بر می‌تافت که در قدرت مطلقه وی خللی ایجاد ننماید. از دیگر سوی تداوم استبداد تاریخی سبب بازتولید درباریانی غالباً چاپلوس، بی-

۱. لمبتون، آن. ک. اس، (۱۳۷۵)، ایران عصر قاجار، ترجمه: سیمین فصیحی، مشهد، جاودان خرد، ص ۱۳۰-۱۲۹.

۲. پیش از میرزا حسین خان سپهسالار، شخص دیگری دارای لقب سپهسالار گردیده بود. وی میرزا محمدخان قاجار پسر امیرخان سردار از شاخه دولوی ایمل قاجار بود. ن. ک به: اعتمادالسلطنه، محمدحسن خان، (۱۳۵۷)، صدرالتواریخ یا تاریخ صدور قاجار، تصحیح: محمدمشیری، تهران، روزبهان، ص ۲۵۰.

۳. نوایی، ایران و جهان از قاجاریه تا پایان عهد ناصری، ج ۲، ص ۶۲۴.

شخصیت، و نوکر مآب می‌گردید،<sup>۱</sup> که عرصه را بر افراد لایق و کارداران و دلسوز تنگ می‌کردند و موجب به حاشیه رانده شدن آنان می‌شدند.

از جمله شواهدی که موید کوشش‌های ناصرالدین شاه قاجار و برخی رجال ترقی‌خواه در راستای اتخاذ سیاست‌های مبتنی بر استقلال کشور می‌باشد اقدامات صورت گرفته در جهت اعاده حاکمیت بر مرزهای تاریخی و سرزمینی ایران می‌باشد که خود بیانگر وجود گونه‌ای خودآگاهی تاریخی در میان دستگاه حاکمیت عصر ناصری می‌باشد. این تمایل در جهت حفظ حدود و ثغور مملکت خاصه از دوره جنگ‌های ایران و روس صورتی جدی تر به خود گرفت. در سایه شکست‌های ایران در مقابل روسیه ۱۸۲۸م/۱۲۴۳ق، محافظت از سرحدات ایران موضوع اصلی نوشتارهای دوران قاجار شد. همچنین این امر موجب رواج ادبیات جهادیه در ایران شد. اگر چه ادبیات جهادیه<sup>۲</sup> بر دفاع از اسلام (ملک اسلام) بیشتر از زادیوم تاکید داشت، اما در مورد ایران، این ارتباط محکم‌تر بود. اشارات مکرر به عنوان مسلمانان شیعه، از سوی قاجارها که خود را هم پادشاه ایران و هم محافظ اسلام می‌دانستند، جدایی متون جهادیه از شرایط تاریخی ایران را دشوار می‌کرد. اسلام شیعی تهدید می‌شد، تنها به خاطر این که ایران به خطر افتاده بود و موفقیت مذهب به موفقیت کشور بستگی داشت.<sup>۳</sup>

در استمرار شرایط مرزهای ایران در دوره پادشاهان اولیه قاجار، در عهد ناصری نیز، ایران از سه طرف زیر فشار بود. از شمال‌شرقی، روسیه توسعه طلبی ارضی خود را دنبال می‌نمود. از غرب عثمانی‌ها به دنبال اثبات دعاوی ارضی خود بودند و از شرق و نیز جنوب کشور، انگلیسی‌ها فشارهایی را بر حکومت قاجار تحمیل

۱. سایکس، پرسی مولزورث، (۱۳۸۰)، تاریخ ایران، ترجمه: محمد فخر داعی گیلانی، تهران، افسون، ج ۲، ص ۵۳۷-۵۳۶؛ لمبتون، ایران عصر قاجار، ص ۱۳۰.

۲. برای آگاهی بیشتر از ادبیات جهادی ن. ک. به: مقدمه مفصل غلامحسین زرگری نژاد بر کتاب فراهم شده توسط میرزا عیسی قائم مقام فراهانی تحت عنوان احکام الجهاد و اسباب الرشاد، به تصحیح غلامحسین زرگری نژاد، تهران، انتشارات بقعه رجوع بفرمایید.

۳. کاشانی ثابت، فیروزه، (۱۳۸۹)، افسانه‌های مرزی، ترجمه: کامران کلانکی، تهران، کتابسرا، ص ۱۳۱-۱۳۰.

می‌نمودند.

به رغم آن که تکاپوهای حکومت ناصرالدین شاه در جهت اعاده حاکمیت ایران بر مرزهایش همواره توأم با موفقیت نبود و در این دوره شاهد از دست رفتن بخشی از اراضی ایران بوده ایم با این حال این تلاش‌ها بیانگر وجود آگاهی تاریخی از مرزهای سرزمینی ایران نزد حاکمان جامعه بود. به عبارتی دیگر ناصرالدین شاه تلاش می‌کرد مرزهای تاریخی احیا شده توسط آقامحمد خان را بر اساس وظیفه تاریخی خود که حراست از این حدود بود حفظ و حراست نماید. اما به هر روی به دلیل شرایط خاص قرن نوزدهم میلادی و توسعه طلبی قدرت‌های همسایه ایران در شمال و جنوب و ضعف حاکم بر جامعه ایران این امر به‌طور کامل محقق نگردید. در مجموع این تلاش‌ها در تثبیت مرزهای ایران موثر بود و باعث گردید تلقی جدیدی از مرزهای ایران شکل گیرد که تا دوران فعلی تداوم یافته است. این امر بی‌گمان حاصل مقاومت داخلی حکومت ایران در برابر دو قدرت استعماری همسایه یعنی روسیه و بریتانیا بود و این مقاومت حکومت ایران با وجود همه ضعف‌های بنیادی‌اش، علیه رخنه ارضی و یا دیگر وجوه نفوذ دول بزرگ حائز اهمیت فراوان بود.

به هر روی پایه روابط داخلی و خارجی در این دوره بر ایستادگی در برابر نفوذ خارجی بود. این وضع برای آنها تبعات ساختاری و بینشی داشت. نخست آن که ایجاب می‌کرد دولت به شکل تازه‌ای سازماندهی شود به گونه‌ای که قدرت تمرکز پیدا کند، نه فقط در اداره حکومت بلکه همچنین در امور نظامی. بنابراین ساختار شبکه‌ای پیوندهای عشائری و ملوک‌الطوایفی که تا آن زمان نیروی نظامی نامتمرکزی را به وجود می‌آورد رفته رفته جای خود را به ساختاری داد که رسماً از مرکز فرماندهی می‌شد. این تغییر ساختار واکنش حکومت به آسیب‌پذیری ژئوپولیتیکی ایران از دخالت قدرت‌های استعماری بود که فناوری نظامی پیشرفته داشتند. دوم، نیاز به حفاظت از نفوذ بیگانه و از طریق آن تضمین بقای «ملت» ایران ایجاب می‌کرد که برای حفظ امنیت کشور بر راه‌های دیگری به جز استفاده از زور، یعنی بر مذاکره و معمولاً با میانجیگری یک طرف سوم، تکیه کنند. این

تحول، با درجات مختلف توفیق، بینش تازه‌ای پدید آورد که وفاداری و تعهد به مرکز بر پایه آن استوار می‌شد. این پایه درکی عمومی از «هویت ملی» بود.<sup>۱</sup> به هر حال تعیین مرزهای سیستان پس از مذاکرات طولانی و اغلب مشاجره آمیز با دولت هند انگلیس، اعمال پیروزمندانه حاکمیت ایران بر بندرعباس و سواحل خلیج فارس و بحر عمان و تعیین حدود مرزهای غربی با دولت عثمانی پس از معاهده ارزروم در ۱۸۴۷م/۱۲۶۳ق، بر منزلت شاه بسی افزود. او اینک فرمانروای بلا منازع ممالک محروسه ایران به شمار می‌رفت و مرزهای کشورش از شناسایی بین‌المللی بهره مند بود.<sup>۲</sup>

### زمینه‌های اجتماعی و فرهنگی ورود افکار و موسسات نوین در عصر ناصری

در نیمه اول قرن نوزدهم میلادی، ایران دارای نظام سیاسی استبدادی خود کامه متکی بر سران ایل و شاهزادگان قاجار بود که هر کدام بر یکی از ولایات ایران حکم می‌راندند. بدین ترتیب، قدرت قاجارها به صورت نیروهای پراکنده متکی بر مرکز در سراسر کشور گسترش یافته بود.<sup>۳</sup> از طرفی جامعه ایران متکی بر سنت‌های اجتماعی دیرینی بود که در مقابل تحولات جدید از خود مقاومت نشان می‌داد. با این وجود از اواسط قرن نوزدهم میلادی/سیزدهم هجری قمری، به دنبال مجموعه اقدامات اصلاحی که به خصوص به واسطه تلاش‌های ترقی خواهانه رجال اصلاح-طلبی همچون امیرکبیر و سپهسالار آغاز گردیده بود شاهد شکل‌گیری تأسیسات تمدنی و روندهای فرهنگی و آموزشی بودیم که به تدریج سبب تغییرات اجتماعی و فرهنگی در جامعه ایران عصر ناصری می‌گردد. توسعه تجارت خارجی نیز از

۱. فرمانفرمایان، جنگ و صلح در ایران دوره قاجار و پیامدهای آن در گذشته و اکنون، ص ۱۵-۱۴.

۲. امانت، قبله عالم، ناصرالدین شاه قاجار و پادشاهی ایران، ص ۵۴۶-۵۴۵.

۳. در ایران عصر قاجار تقسیمات کشوری، اصول ثابتی نداشت. در اواسط عصر قاجار ایران دارای پنج ایالت اصلی و تعداد زیادی ولایات بود. پنج ایالت اصلی عبارت بودند از: ایالت آذربایجان، ایالت خراسان و سیستان، ایالت کرمان و بلوچستان، ایالت اصفهان، ایالت فارس و بندر. برای آگاهی بیشتر ن.ک. به: وره‌رام، غلامرضا، (۱۳۸۵)، نظام سیاسی و سازمان‌های اجتماعی ایران در عصر قاجار، تهران، معین، ص ۱۲۹.



عوامل دیگر تغییرات اجتماعی بود. تجارت خارجی با کشورهای اروپایی به-خصوص روسیه و انگلیس برقرار بود. در نیمه قرن نوزدهم، تجار ایرانی نیز در استانبول، قاهره، دمشق، کراچی، بمبئی و سرزمین‌های روسیه در همسایگی ایران سکنی گزیدند و اعضای همین جوامع اقتصادی در شهرهای خارج، نقش مهمی در انتقال اندیشه و آماده کردن زمینه برای جریان نوسازی در ایران ایفا می‌کردند.<sup>۱</sup> از طرفی تأسیسات تمدنی همچون پست و ایجاد شبکه تلگراف و گسترش آن و ساختن راه‌های جدید<sup>۲</sup> و مهم‌تر از همه شکل‌گیری روندهای فرهنگی و آموزشی که از نیمه قرن نوزدهم آغاز شد به‌خصوص گسترش جراید و مطبوعات از عواملی بودند که به جریان تحولات اجتماعی و فرهنگی و جریان نوسازی در ایران یاری می‌رساندند. لذا ضروری است به منظور آشنایی بیشتر با این موسسات تمدنی و روندهای فرهنگی و شناخت تأثیرات آنها در تحولات فکری جامعه و خاصه در عرصه آشنایی با مفاهیم جدید مرتبط با ایران و مفهوم ایران، نقش آنها مورد بررسی دقیق‌تری قرار گیرد.

در عصر ناصری عناوین متعددی از جراید به چاپ می‌رسید به گونه‌ای که علاوه بر دارالخلافه تهران در سایر ایالات و ولایات نیز مطبوعات مختلفی شکل گرفت و رشد بی‌سابقه مطبوعات در این عصر تأثیر به‌سزایی در ورود اندیشه‌های جدید به جامعه ایران داشت.<sup>۳</sup>

۱. در همین دوران اقدامات افرادی که به دلایل سیاسی از کشور تبعید شده بودند نیز از اسباب افزایش آگاهی‌های عمومی در داخل کشور بود. در حوزه عثمانی و شهر استانبول پان‌اسلامیسم به رهبری سید جمال‌الدین اسدآبادی مبارزه با استبداد ناصرالدین شاه و استعمار انگلیس و روسیه را مطرح می‌نمود. میرزا ملکم خان نیز در لندن با انتشار روزنامه قانون سعی در تغییر در افکار ایرانیان و اشاعه قانون‌گرایی داشت. مطیع، ناهید، مقایسه نقش نخبگان در فرایند نوسازی ایران و ژاپن (۱۸۴۰-۱۹۲۰)، تهران، شرکت سهامی انتشار، ۱۳۸۲، ص ۲۴-۲۳.

۲. برای آگاهی از شبکه راه‌های ایران و ایستگاه‌های پست در طول این راه‌ها در اواخر عصر ناصری کتاب دو جلدی «ایران و قضیه ایران» اثر لرد کرزن بسیار سودمند می‌باشد.

۳. در یک نگاه کلی به مطبوعات این عصر می‌توان آنها را به سه دسته عمده تقسیم کرد: جراید پایتخت، جراید ولایات مختلف و جراید منتشر شده در خارج از ایران.

نخستین بار در عصر ناصری، میرزا تقی‌خان امیرکبیر نسبت به انتشار روزنامه اهتمام ورزید. ذهن امیر درباره روزنامه و ارزش سیاسی و مدنی آن روشن بود، و از روزنامه‌های فرنگستان آگاهی داشت. توجه میرزا تقی‌خان معطوف به دو معنی بود: یکی اطلاع یافتن دولت از اوضاع جهان، و دیگر پرورش عقلانی مردم و آشنا کردن آنها به دانش جدید و احوال دیگر کشورها. وی از همان آغاز دولت خود دستگامی برای گردآوردن روزنامه‌های خارجی و ترجمه آنها برپا کرد. زبده مطالب روزنامه‌ها را به صورت گزارش تنظیم می‌کردند، امیر همه را می‌خواند و به نظر شاه نیز می‌رسانید. مباشر ترجمه روزنامه‌ها، «برجیس<sup>۱</sup> انگلیسی، مترجم» بود، و نگارش ترجمه آنها به زبان فارسی کار «عبدالله، ترجمه‌نویس» بود. روزنامه وقایع اتفاقیه نیز بر همین اساس شکل، تأسیس شد و همان دو نفر به نویسندگی روزنامه گمارده شدند.<sup>۲</sup>

در ادامه به معرفی ویژگی‌های برخی از این مطبوعات تاثیرگذار بر فکر ایرانیان پرداخته خواهد شد و آگاهی‌هایی که برخی از آنها در زمینه ایرانیت و مفاهیم جدید ملت و وطن اشاعه داده‌اند بازنمایی خواهد شد.

#### وقایع اتفاقیه

از جمله اقدامات مهم و تاثیرگذار دوران صدارت امیر، یکی هم تأسیس روزنامه وقایع اتفاقیه بود. این روزنامه دومین روزنامه فارسی در قلمرو ایران عهد قاجار به شمار می‌رود. نمره نخستین وقایع اتفاقیه به نام «روزنامه‌چه اخبار دارالخلافة تهران» روز جمعه پنجم ربیع الثانی ۱۲۶۷/۷ فوریه ۱۸۵۱م منتشر شد. در بالای برگ اول روزنامه نشان شیر و خورشید چاپ شده و عبارت «اسدالله الغالب» (پیوست شماره سه) در ذیل آن آمده است. اولین مطلب روزنامه در باب علت چاپ روزنامه می‌باشد: «از آنجا که همت حضرت اقدس شاهنشاهی مصروف بر تربیت اهل ایران و استحضار و آگاهی آنها از امورات داخله و وقایع

۱. Burgess

۲. آدمیت، فریدون، (۱۳۷۸)، امیرکبیر و ایران، تهران، خوارزمی، ص ۳۷۱.

خارج است لهذا قرار شد که هفته به هفته احکام همایون و اخبار داخله مملکتی و غیره را که در دول دیگر گازت<sup>۱</sup> می‌نامند. به کل شهرهای ایران منتشر گردد... از جمله محسنات این گازت یکی آن که سبب دانایی و بینایی اهالی این دولت علیه است...<sup>۲</sup> هدف امیر از انتشار روزنامه علاوه بر آگاهی طبقات مختلف اجتماع، آگاهی دادن به طبقه حاکم بود. لذا مقرر گردید «امنا و اعیان و ارکان و مقربان حضرت و حکام و عمال و مباشرین و خوانین و معارف تجار و معتبرین ولایات، و خوانین و ایل بیگیان ایلات، و عموم صاحب منصبان نظام بر سیل حکم دیوانی از این روزنامه‌ها بگیرند. و سایر خلق به اختیار و میل خودشان هر کس طالب باشد»<sup>۳</sup> آنگاه مقرر می‌کند از همه ولایات صورت اسامی «خوانین و معتبرین و معارف» را به دفتر روزنامه بفرستند که برای آنها روزنامه ارسال گردد.<sup>۴</sup>

اخبار روزنامه شامل اخبار دارالخلافه، اخبار داخله ممالک محروسه پادشاهی، گزارش سفرهای داخلی ناصرالدین شاه اعم از شرح جغرافیایی و آثار تاریخی مناطق مختلف ایران، آب و هوا، قیمت ارزاق و اقلام مصرفی مردم، وضعیت قشون، احوال دول خارجه به نقل از روزنامه‌های اروپایی، اطلاعات علمی مفید به حال خوانندگان و در پایان اعلانات بوده است. از جمله در نمره سوم وقایع اتفاقیه اطلاعاتی در باب «ناخوشی آبله که عمومی است و اطفال را عارض می‌شود» راه معالجه آن به شیوه «آبله کوبی» مطلبی به چاپ رسیده است.<sup>۵</sup> بنابراین آنچه که در روزنامه در باب اهداف انتشار آن ذکر گردیده هدف روزنامه بالا بردن سطح آگاهی و اطلاع جامعه از امور مختلف بود. در این بین بخشی از این آگاهی‌ها در مورد جغرافیا و نقشه‌های ایران و آثار تاریخی آن بود که در شکل‌گیری نگرش خوانندگان روزنامه به سرزمینی که در آن زندگی می‌کردند و تلقی آنها از

۱. gazette

۲. روزنامه اخبار دارالخلافه طهران، ۱۲۶۷، ش ۱، ص ۱.

۳. روزنامه وقایع اتفاقیه، ۱۲۶۸، ش ۴۲، ص ۲.

۴. همان

۵. روزنامه وقایع اتفاقیه، ۱۲۶۷، ش ۳، ص ۱.

ایران و مفهوم ایران موثر بود.

لازم به ذکر است که این روزنامه از شماره دوم به بعد به همان نام وقایع اتفاقیه و با نشان شیر و خورشید و بدون عبارت «یا اسدالله الغالب» و با چاپ سنگی (پیوست شماره چهار) به چاپ می‌رسید. انتشار هفتگی این نشریه تا شماره ۶۵۶ مرتب بود ولی از آن پس دچار آشفتگی و بی‌ترتیبی شد.<sup>۱</sup> از جمله مطالب چاپ شده در روزنامه قسمت اعلان‌های آن بود. در روزنامه وقایع اتفاقیه اعلان‌های گوناگونی چاپ شده که از جمله می‌توان به بهای کالاهای فرهنگی همچون نقشه‌های جغرافیایی و کتاب اشاره نمود. در شماره‌های متعددی در فاصله سال‌های ۱۲۶۸ - ۱۲۷۰/ق ۱۸۵۲ - ۱۸۵۴م بخش اعلانات روزنامه وقایع اتفاقیه قیمت کتاب‌هایی که در «دولت علیه ایران انطباع شده» و محل فروش آنها قید شده است. از جمله کتبی که به‌طور مکرر اعلان فروش آن در روزنامه آمده است می‌توان به کتاب «شاهنامه فردوسی» اشاره نمود که به قیمت چهار و نیم یا پنج تومان عرضه می‌گردیده است.<sup>۲</sup> انتشار کتبی همچون شاهنامه فردوسی که مورد اهتمام بود و نیز اعلان عمومی آن نشانگر توجه امنای دولت و روزنامه وقایع اتفاقیه به اهمیت شاهنامه فردوسی و نقش آن در تقویت هویت ایرانی تلقی نمود. از طرفی تأثیرات ناشی از اعلان‌های مکرر مربوط به فروش کتاب‌هایی از این دست در آگاهی خوانندگان از تاریخ ایران و شکل‌گیری تصور آنان از سرزمین ایران را نباید نادیده انگاشت.<sup>۳</sup>

میرزا حسین خان سپهسالار و انتشار روزنامه

میرزا حسین خان سپهسالار به نقش آگاهی بخش روزنامه‌ها اعتقاد فراوان

۱. آدمیت، امیرکبیر و ایران، ص ۳۷.

۲. وقایع اتفاقیه ۲، ۱۲۶۸، ش ۴۳، ص ۶.

۳. روزنامه وقایع اتفاقیه تا سال ۱۲۷۷ق با همین نام به چاپ می‌رسید. در این سال، نام آن از شماره ۴۷۴ به «روزنامه دولت علیه ایران» تغییر کرد و به صورت روزنامه‌ای مصور درآمد. نوایی، ایران و جهان از قاجاریه تا پایان عهد ناصری، ج ۲، ص ۵۵۱-۵۵۰.

داشت و آن را بهترین وسیله برای بالا بردن سطح فرهنگ عمومی جامعه می‌دانست. لذا به محض رسیدن به صدارت روزنامه‌های تازه‌ای ایجاد نمود که بدبختانه هیچ یک عمردرازی نیافت. علت آن هم این بود که تمام روزگار درخشش او در مقام صدارت و وزارت بیش از ده سال طول نکشید. او در هر سمتی که تعهد خدمت می‌نمود، می‌کوشید که از طریق ایجاد نشریه‌ای سطح اطلاعات کارکنان آن قسمت را بالا ببرد. آنچه در این میان اهمیت داشت و اهمیت آن بیشتر از ایجاد و انتشار روزنامه بود، آزادی ابراز نظر بلکه دعوت گرداندگان روزنامه از مردم برای شرکت در بحث آزاد و انتقاد سازنده بود. در این روزنامه‌ها نمونه‌های ارزنده‌ای از این بحث‌ها دیده می‌شود و گاه همکار و دستیار اندیشمند سپهسالار به نام میرزا یوسف‌خان مستشارالدوله با امضای مستعار یا بدون امضا، خود القای مطالب تازه‌ای به عنوان یک خواننده می‌نمود.<sup>۱</sup> از جمله روزنامه‌هایی که در این راستا به اهتمام میرزا حسین‌خان سپهسالار ایجاد گردید می‌توان از وقایع عدلیه، نظامی، مریخ و وطن نام برد.

هنگامی که میرزا حسین‌خان مشیرالدوله به وزارت عدلیه منصوب گردید به تأسیس روزنامه وقایع عدلیه مبادرت ورزید. این روزنامه نخستین روزنامه حقوقی و قضایی ایران به شمار می‌رود. میرزا حسین‌خان آن را به مساعدت میرزا یوسف‌خان مستشارالدوله از ۱۷ ذیحجه ۱۲۸۷ق/۱۰ مارس ۱۸۷۱م به صورت هفتگی در تهران منتشر می‌کرد. اگرچه در عمل به صورت ماهی یک‌بار انتشار یافت. سپهسالار در سر مقاله اولین شماره هدف از انتشار این روزنامه را بسط عدالت، تربیت ملت، ایجاد تأسیسات عالی و برقراری آرامش و امنیت و وضع قوانین جدید که بر عهده وزارت عدلیه است دانسته است.<sup>۲</sup> شماره اول از سال دوم این روزنامه در محرم سال ۱۲۸۸ق در ۳ صفحه منتشر گردید و در آن مطالبی در ارزیابی وزارت عدلیه به

۱. نوایی، ایران و جهان از قاجاریه تا پایان عهد ناصری، ج ۲، ص ۶۵۸-۶۵۶؛ محیط طباطبایی، محمد، (۱۳۷۵)، تاریخ تحلیلی مطبوعات ایران، تهران، بعثت، ص ۳۶-۳۵.  
۲. روزنامه وقایع عدلیه، ۱۲۸۷، ش ۱، ص ۱.

چاپ رسید.<sup>۱</sup> شماره آخر این نشریه نیز حاوی مطالبی در خصوص «تکالیف مجلس تحقیق» و لزوم متکی بودن دعاوی بر اسناد معتبر و «تکالیف مجلس تجارت» است.<sup>۲</sup>

سپهسالار همچنین روزنامه مریخ را در ۵ محرم ۱۲۹۶ق/۳۰ دسامبر ۱۸۷۸م در ۴ صفحه با دو ستون و یک پاورقی با عنوان «تاریخ قیصره» منتشر نمود. در سر لوحه این روزنامه که در دوره صدارت میرزا حسین خان سپهسالار و به اهتمام او چاپ گردیده است هدف و مشی روزنامه این گونه آمده است: «حاوی وقایع رسمیه عساکر دولت علیه ایران و ترجمه تلگراف‌های رسمیه دول و جامع بعضی فصول مرتبط به انتشار علوم متداوله در فرنگستان و غیره و برخی مطالب که راجع به مدنیت و حقوق انسانیت است می‌باشد...»<sup>۳</sup> همچنین در صفحه دوم اولین شماره روزنامه مقاله‌ای به امضای محمد حسن خان صنایع الدوله در خصوص فواید و اهمیت قشون و عساکر به چاپ رسیده است:

«... نزد عقلای ملل هیچ دایره معظم‌تر از دایره عسکریه و حریبه نباید باشد و بر ملت پرستان و دولت خواهان واجب بل اوجب است که همیشه طالب و راغب-شان و شوکت و عظمت دایره عسکریه باشند...»<sup>۴</sup>

صنایع الدوله همچنین در مقاله‌ای به نام وطن به تشریح مفهوم وطن پرداخته و از آنجا که پیوندهای خانوادگی و عشیره‌ای در آن زمان از قوت بالایی برخوردار بوده، وطن را به خانواده و طایفه تشبیه نموده است و بدین طریق می‌خواسته جایگاه مهم وطن و وطن‌دوستی را گوشزد نماید.<sup>۵</sup> او همچنین برای ایجاد انسجام در بین آحاد اهالی مملکت ایران، شاه را پدر وطن دانسته است.<sup>۶</sup>

۱. همان، ۱۲۸۸، ش ۱، ص ۳-۱.

۲. روزنامه وقایع عدلیه، ۱۲۸۸، ش ۲، ص ۲-۱.

۳. روزنامه مریخ، ۱۲۹۶، ش ۱، ص ۱.

۴. همان، ش ۱، ص ۲.

۵. همان، ش ۵، ص ۲.

۶. همان، ش ۶، ص ۳-۱.

به هر روی تأکید بر مفاهیم جدیدی همچون «ملت» و مفهوم «وطن» در معنای نوین آن به کرات در روزنامه‌های این عصر دیده می‌شود. رواج این واژگان و مفاهیم جدید در میان نخبگان جامعه و انعکاس آنها در جراید آن دوره موجب می‌گردد که افراد جامعه نیز به تدریج با این مفاهیم آشنا شده و در تلقی آنها از ایران موثر واقع می‌شود.

یکی دیگر از روزنامه‌هایی که سپهسالار بنیان نهاد، روزنامه وطن بود که به دو زبان فارسی و فرانسه منتشر می‌شد و نام نسخه فرانسه «لاپاتری»<sup>۱</sup> بود که در زبان فرانسه به معنای وطن است. میرزا حسین خان سپهسالار قزوینی برای معرفی ایران به دول خارجه به کمک بسارون دونرمان<sup>۲</sup> بلژیکی، این روزنامه را در ۹ محرم ۱۲۹۳ق/۵ فوریه ۱۸۷۶م در تهران منتشر کرد. سپهسالار عنوان روزنامه خود را «وطن» اعلام کرده است و غایت آن را در این شناخت که ملت ایران و سلطنت قدیم ایران، عظمت باستانی خود را احیاکنند.<sup>۳</sup> سپهسالار می‌نویسد: «این روزنامه را وطن نام نهادیم، از آن [رو] که وطن پرستی نزد هر فرد ملت، والاترین فضیلت هاست. وطن پرستی فقط پرستش زادگاه نیست؛ بلکه بر معنی جامع‌تری دلالت می‌کند و احترام به قوانین و بنیادها را نیز شامل می‌شود»<sup>۴</sup> ظاهراً سپهسالار، درک درستی از تمایز بین وطن پرستی صرف و وطن پرستی در معنای نوین آن یعنی همان ناسیونالیسم دارد. به‌ویژه گونه‌ای گرایش مدنی در اندیشه وی مشاهده می‌شود. آدمیت معتقد است: «اصطلاح منفعت نوع، منافع عمومی، نفع عام و افراد نوع را بیشتر همان دو [سپهسالار و مستشارالدوله] در نوشته‌های رسمی به کار برده اند.

#### ۴. La patrie

۲. وی مهندس راه‌سازی بود و در نویسندگی هم دستی داشت.

۳. آدمیت، فریدون، (۱۳۵۱)، اندیشه ترقی و حکومت قانون عصر سپهسالار، تهران، خوارزمی، ص ۱۶۱-۱۶۰.

۴. متأسفانه اصل تنها شماره روزنامه وطن امروزه در دسترس نیست. مطالب این روزنامه در برخی کتب آن دوره از جمله سفرنامه مادام کارلا سرنا و کتاب ایران و قضیه ایران نوشته لرد کرزن آمده است. سرنا، مادام کارلا، (۱۳۶۲)، سفرنامه مادام کارلا سرنا در ایران (آدم‌ها و آیین‌ها در ایران)، ترجمه: علیاصغر سعیدی، تهران، زوار، ص ۱۶۰.

می‌بینیم که «رای عامه» و «رای ملتی» شناخته شدند. همه آن تعبیرها در این دوره داخل لغات روزنامه‌نویسی هم گردیدند. مجموعشان دلالت بر تعقل اجتماعی جدیدی می‌کند»<sup>۱</sup>

برخی دیگر معتقداند که وطن یا لاپاتری نمونه بارز نسل مطبوعات انقلابی ایران است که در فضای اختناق آمیز دوران ناصری، تولد ژورنالیسم مردمی و مسوول را اعلام می‌کند<sup>۲</sup> روزنامه وطن یک شماره بیشتر انتشار نیافت. زیرا مطالب آن در باب آزادی، برابری و اندیشه‌های اصلاح‌طلبانه بود و ناصرالدین شاه با خواندن آن، دستور توقیف روزنامه را صادر کرد.<sup>۳</sup> سر مقاله اولین و آخرین شماره روزنامه وطن موجبات لغو امتیاز آن را فراهم آورد. در این سر مقاله آمده است:

«راجع به امور داخلی با آزادی تام داد سخن خواهیم داد. ما به هیچ وجه و قطعاً طرف هیچ جانبی را نخواهیم گرفت و با احدی پیمانی نداریم و زیر بار هیچ گونه تعهدی هم نیستیم. علاقه ما خدمت به مملکت است و در این راه فقط احتیاجات واقعی او را در نظر داریم، ما طرفدار ترقی هستیم و از هرگونه تحقق آن حمایت می‌نماییم، ولی هیچگاه راه تملق فرومایگان را نخواهیم پیمود و نسبت به ارکان قدرت چاپلوسی نخواهیم کرد. ما از هر قسم فکر و مراسم درست دفاع و هر کار خلافی را سرزنش خواهیم کرد و هر گاه آن اعمال مخالف قانون باشد شدت شماتت ما دوچندان خواهد شد. جنگ و پیکار بر ضد دزدی و فساد و آنانی که عامل آنند شعار و برنامه ماست و با تمام دقت هم خود را صرف آن خواهیم کرد که شایسته علاقه مردم باشیم و خود را به منزله قهرمان حقوق این کشور و هموطنان خویش آماده می‌سازیم»<sup>۴</sup>

۱. آدمیت، اندیشه ترقی و حکومت قانون عصر سپهسالار، ص ۴۱۲.

۲. کهن، گونل، (۱۳۶۰)، تاریخ سانسور در مطبوعات ایران، جلد اول از ۱۲۵۳ تا صدور فرمان مشروطیت، تهران، آگاه، ج ۱، ص ۸۴-۸۳.

۳. کرزن، جرج ن، (۱۳۶۲)، ایران و قضیه ایران، ترجمه: غلامعلی وحید مازندرانی، تهران، علمی و فرهنگی، ج ۱، ص ۶۰۹.

۴. همان، ج ۱، ص ۶۱۰-۶۰۹.